

دو فصلنامه کواترنری ایران (علمی-پژوهشی)، دوره ۸، شماره ۴ و ۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

ص ۵۵۵ تا ۵۷۲

مهر تیموران، شاهی از تعاملات فرهنگی انشان و شوش در نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد

حبیب عمادی*؛ دانش آموخته دکتری باستان شناسی، گروه باستان شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

کمال‌الدین نیکنامی؛ استاد گروه باستان شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

چکیده

مهر تیموران در گروه مهرهای استوانه‌ای به سبک هندسی قرار دارد که از تل تیموران، شرقی‌ترین محوطه شناخته‌شده فرهنگ شغا تیموران در حوضه رود کر با وسعتی برابر با ۸ هکتار از محوطه‌های اصلی فرهنگ شغا تیموران به‌دست‌آمده است. فرهنگ شغا تیموران در فارس، فرهنگ موازی با حکومت عیلام میانه (نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد) است. به‌استثنای تل ملیان تاکنون آثار شاخصی از ارتباط محوطه‌های مناطق مرتفع (انسان) با مناطق پست (شوش) در دوره عیلام میانه به دست نیامده است. جنس مهر تیموران عاج و یافته‌ای قابل توجه در شمال شرق فارس محسوب می‌شود. در حوضه رود کر یا منطقه انشان به جز تل ملیان در دیگر محوطه‌ها گزارشی از مهر استوانه‌ای در هزاره دوم ق.م در دست نیست. شاید مهر تیموران شاهی بر ثبت و ضبط کالا در تل تیموران است. از طرفی جنس مهر نیز نشان از تزئینی بودن آن داشته و عوامل ذکرشده بیان‌کننده این است که مهر تیموران در هر دو دسته مهر و مهره قرار خواهد گرفت. گاه‌نگاری مهر تیموران بر مبنای تاریخ‌گذاری مطلق تل تیموران نیمه دوم هزاره دوم ق.م است. فعالیت‌های گرده‌شناسی در تالاب‌های اطراف حوضه رود کر نشان از تغییرات اقلیمی ملموسی در این دوره زمانی دارد و مهم‌ترین عامل در تغییر الگوی استقرار در محوطه‌های شغای تیموران محسوب می‌شود. نکته حائز اهمیت در تعاملات فرهنگی در حکومت عیلام میانه در دو کانون آن یعنی انشان و شوش تغییرات اقلیمی در این برهه زمانی است که بیانگر اقلیمی گرم و مرطوب نسبت به ادوار قبل و بعد است.

کلیدواژه: تل تیموران، سبک هندسی، عاج، عیلام میانه، مهر استوانه‌ای.

مقدمه

به عقیده موری مهر استوانه‌ای برجسته‌ترین ساخته سومریان است (Moorey, 1994: 103). مهر و اثر مهر استوانه‌ای اغلب در مناطقی که به تعبیر پژوهشگران غربی خاور نزدیک و میانه نام‌برده شده، نزدیک به سه هزاره کاربرد داشته است و آثار شاخصی در شناخت فرهنگ مادی در مناطق ذکر شده را تشکیل می‌دهند. در مطالعه مهرهای استوانه‌ای مواردی مانند روند، جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی را می‌توان پیگیری کرد (Collon, 2005). درک اصلی از شمایل‌نگاری بین‌النهرین مانند تصاویر خدایان و اساطیر از مطالعات مهرها حاصل گردیده است (Collon, 2005: 165 - 171؛ Black & Green, 1992: 178 - 186). همچنین تصاویر مهرها نگاهی از زندگی عادی و روزمره ارائه می‌دهد که در هیچ جای دیگر نمی‌توان دید (Collon, 2005: 145 - 149). مهرهای استوانه‌ای بیانگر مواردی مانند شکل پوشش، تکنیک‌ها و تزئینات ساختمان، سلاح و اثاثیه، روش‌های کشاورزی و لوازم جانبی و همچنین اقدامات و مراسم آیینی، مانند شکارهای سلطنتی، ضیافت‌ها و صحنه‌های عبادت است (Collon, 2005: 145 - 197). مهرهای استوانه‌ای اغلب از سنگ یا ماده معدنی ساخته شده است (عموماً سنگ)، ولی مهرهایی از جنس عاج، صدف، بدل چینی، شیشه، فلز، چوب، خاک رس و ترکیب قیر نیز ساخته می‌شده است به طوری که با طرحی (معمولاً حکاکی شده) وقتی مهر روی یک ماده نرم (عمدتاً خاک رس غیر مرطوب یا مرطوب) قرار می‌گیرد و چرخیده می‌شده (غلتیده می‌شود)، شکلی از نقش حکاکی شده به صورت نقش برجسته ایجاد می‌شده است (Roaf, 1990: 72). موادی که مهر از آن ساخته می‌شود، عامل مهمی در درک عملکرد و دوره‌ای است که مهر در آن ساخته شده است. جنس یک مهر، به‌ویژه سنگ خاصی که از آن ساخته شده است، شاخصی برای عملکرد نمادین یا نذری مهر بوده است. مواد مهر در تعیین سبک مهر نیز اهمیت دارد (Matthews, 1990: 14). در برخی موارد جنس نشانگر زمان استفاده مهر مورد نظر بوده است (به همراه طرحی که دارد) علاوه بر این، سنگ‌هایی که مهر از آن‌ها ساخته می‌شود اغلب موادی هستند که از مناطق دیگر وارد شده‌اند، تجزیه و تحلیل الگوهای مختلف جنس مهر در دوره‌های مختلف می‌تواند بینشی در مورد تغییر الگوهای تجارت و روابط ارائه دهد (Collon, 2005: 100). بنابراین جنس مهر عنصری مهم در درک و طبقه‌بندی مهر است. عملکرد مهر استوانه را می‌توان به چهار مورد مجزا، هرچند به هم مرتبط، تقسیم کرد که شامل اداری، حرز، نذری و مراسم تدفین است. هیچ تمایز مطلق بین این انواع وجود ندارد. هر مهر ممکن است به‌طور هم‌زمان یا در طول مدت استفاده از آن به دو یا چند روش مورد استفاده قرار گیرد. علیرغم اینکه مهرهای استوانه‌ای در دوره عیلام به‌وفور از مناطق پست شوشان به دست آمده و مشخصه تمدن‌ها و جوامع باستانی جنوب غربی ایران (عیلام) هستند، مطالعات نسبتاً کمی به مواد مهر و موم در ارتباط با مهرهای استوانه‌ای عیلامی اختصاص داده شده است. معمولاً مطالب مربوط به مهرهای استوانه‌ای به‌عنوان بخشی از گزارش کلی حفاری یک محوطه منتشر شده است، اگرچه در برخی موارد یک جلد در مجموعه‌ای از گزارش‌های حفاری مانند شوش (Amiet, 1980) و چغازنبیل (Porada, 1970) و یا مقالاتی مانند بنی سورمه (Tourovets, 1996)، مارلیک (Negahban, 1991)، چال شاهین (ساعد موجشی و جعفری، ۱۳۹۴) و کله نثار (Tourovets, 1994) به یافته‌های مربوط به مهر و اثر مهر در کاوش‌ها اختصاص یافته است. می‌توان گفت مطالعه بر روی مهرهای عیلامی در حد یک مطالعه نسبتاً مقدماتی است که اغلب توسط باستان‌شناسان و نه متخصص مهر صورت گرفته است البته در مواردی مانند تل ملیان (Sumner, 2003) و تپه

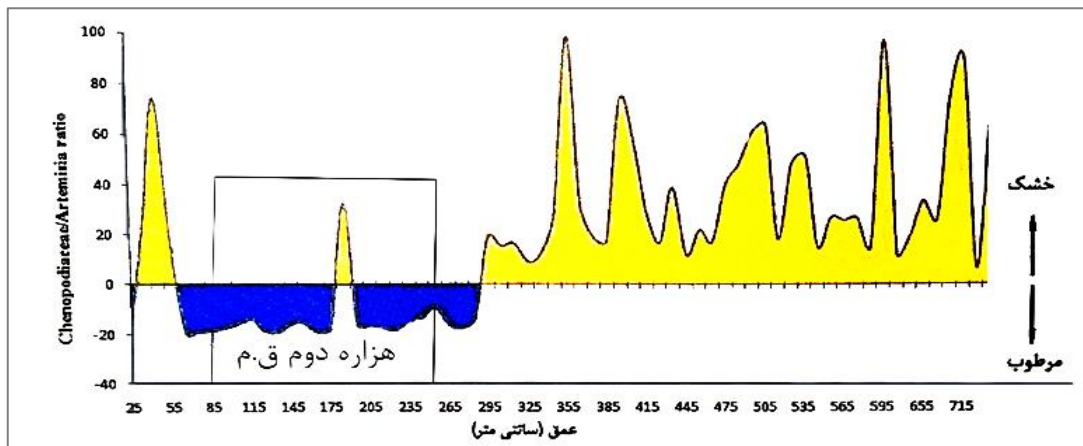
یحیی (Potts, 2001) که توسط هالی پیتمن انجام شده به صورت تخصصی مهرها مورد مطالعه قرار گرفته است. ایراد اصلی این مطالعات این است که هر محوطه به طور مجزا مورد مطالعه قرار گرفته است؛ بنابراین، علیرغم اینکه مهر استوانه‌ای عیلامی در بسیاری از کاوش‌ها به دست آمده، اما آن چنان که در بین‌النهرین مورد مطالعه قرار گرفته، در ایران نادیده گرفته شده است. همان‌طور که اشاره شد تنها مطالعه جامع در مورد مهرهای استوانه‌ای فارس توسط هالی پیتمن بر روی مهرهای ملیان صورت گرفته است (Pittman, 1980). مسئله بسیار مهم و قابل ذکر تعداد بسیار نادر مهر در نیمه دوم هزاره دوم در فارس برخلاف مناطق پست یعنی دشت شوشان است. گزارش‌های واندنبرگ از محوطه‌های شغا تیموران مهر استوانه‌ای مشاهده نشده است (Vanden Berghe, Carter, 1996; Sumner, 1954). تنها محوطه فارس که مهرهای آن منتشر شده تل ملیان با ۶۳ مهر است (Carter, 1996; Sumner, 1974). در ملیان هفده مهر و اثر مهر در کارگاه EDD (ساختمان سوخته) دوره عیلام میانه گزارش شده است (Carter, 1994). اکثر مهرهای استوانه‌ای تل ملیان از پیت زباله به دست آمده است (Sumner, 1974) و یک مورد مهر استوانه‌ای در تدفین آغاز هزاره اول به دست آمده است (Carter 1996: 47). آنچه در مورد مهر تیموران مطرح است تکنیک‌های تولید، فناوری و مسیرها و الگوهای تجاری باستانی است. عملکرد مهر و موم (در ساختار و مکانیسم‌های کنترل یک جامعه) و الگوهای تعاملات فرهنگی و سیاسی با قدرت‌های مجاور (به ویژه جنوب بین‌النهرین) است. جنس مهرهای گزارش شده در فارس سنگ است با توجه به موارد ذکر شده مهر تیموران یافته‌ای مهم در محوطه تل تیموران است زیرا یافته مذکور از لحاظ جنس نشان از ارتباط با مناطق شرق فارس یعنی دره رود سند و به لحاظ فرم نشان از ارتباط محوطه‌های فارس یا انشان (مناطق مرتفع) با شوش (مناطق پست) خواهد داشت. نکته و سؤال اصلی در مورد مهر تیموران کاربری این یافته و نقش مهر تیموران به عنوان یافته‌ای ویژه در شناخت تعاملات مناطق مهم عیلام میانه یعنی شوش و انشان است.

آب و هوای فارس (انشان) در دوره عیلام میانه

در فارس و شوشان در دوره عیلام قدیم برخلاف سومر، یک مرکز حکومتی بزرگ بر دیگر استقرارها چیره بوده است. در شوشان، شوش و چغامیش و در فارس، انشان نقش مرکزی حکومتی را داشته است. با اینکه عیلامیان در هیچ‌یک از دو سرزمین پست شوشان و کوهستانی فارس چشم‌اندازی شهری مانند سومر به وجود نیاوردند، پس از فاز انتقالی از عیلام قدیم به عیلام میانه است که شواهد باستان‌شناختی و تاریخی حاکی از یک تحول ساختاری است که شاید بتوان با احتیاط آن را ملی‌گرایانه و تاندازه‌ای شهری خواند. دانستن جزئیات در تجدید حیات ملی عیلام ممکن نیست اما گویا نتایج آن سبب تغییری در جهت شهرنشینی استفاده از خط و زبان عیلامی برای نخستین بار گسترش اقتدار سیاسی و تلاش آشکار در حفظ مرزهای جغرافیایی در سرزمین‌های بلند و دشت عیلامی شد (Alizadeh, 2010). در این دوره دیگر خبری از جای نام‌هایی که عضویت در فدراسیونی به نام عیلام را دارند، نیست و یک حکومت واحد در سراسر حاشیه سرزمین‌های پست به وجود آمده که حاشیه شمالی خلیج فارس تا جنوب استان کرمانشاه قلمرو حکومت عیلام محسوب می‌شود.

بی‌شک یکی از عوامل مهم در تغییرات ذکر شده در میانه هزاره دوم قبل از میلاد یا انتقال از عیلام قدیم به حکومت عیلام میانه تغییرات اقلیمی در فارس و خوزستان است. مهم‌ترین پژوهش اساسی در راستای مطالعات

اقلیم‌شناسی در فارس مطالعات گرده‌شناسی در دریاچه پریشان به فاصله ۱۰۰ کیلومتری به خط مستقیم از حوضه رود کر است. از ۵۶۰۰ تا ۲۷۰۰ سال پیش که دوره شغاتی‌موران در این بازه زمانی واقع شده اقلیم گرم و مرطوبی در منطقه مورد نظر وجود داشته است (شکل ۱). اقلیم گرم و مرطوب منجر به افزایش پوشش درختی، به‌ویژه بلوط و بادام، و کاهش پوشش علفی و بوته‌ای شده است. در کل، پوشش گیاهی این بازه زمانی شباهت زیادی به دوره قبلی دارد، اما تیره گندمیان نسبت به قبل کاهش یافته است. این احتمال وجود دارد که کاهش گندمیان به دلیل فعالیت‌های انسانی در محیط رخ داده باشد. غیرازاین، در میان گیاهان آبی، مقدار جگنیان به حداکثر مقدار خود در کل مغزه رسیده و مقدار زغال نیز کاهش داشته که حاکی از افزایش رطوبت است (داودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴).

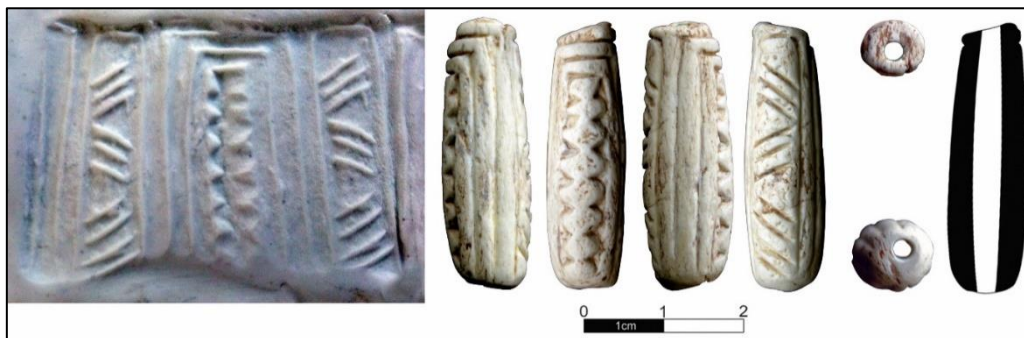


شکل ۱: تغییرات رطوبتی در دوره هولوسن. در نمودار با توجه به مطالعات گرده‌شناسی در دریاچه پریشان نشان داده شده که در فاز ۵ یا هزاره دوم ق.م با توجه به نتایج رادیو کربن، اقلیم گرم و مرطوب در نیمه دوم هزاره دوم در فارس وجود داشته است (داودی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

مهرهای سبک هندسی هزاره دوم قبل از میلاد در ایران

رویکردهای نو در مطالعه‌ی مهرها، به‌خصوص گل مهرها و همچنین مطالعات تاریخ هنری که بر تحلیل‌های کاربردی و بافتی و مجموعه‌های کشف‌شده در کاوش‌های دقیق باستان‌شناختی استوار هستند بیانگر این موضوع است که این یافته‌ها از اولین مراحل شکل‌گیری در دوره نوسنگی متأخر در برخی مناطق نشان از مالکیت شخصی و محدود کردن دسترسی به کالاهای عمده در ساختار اداری محوطه‌های باستانی مورد استفاده قرار گرفته است (Frangipane, 2000; Akkerrman and Duistermaat, 1996; Charvat, 1994). به‌منظور تشخیص سبک‌های مهرهای هندسی از عناصر ایکونوگرافی و سبک‌شناسی بهره گرفته می‌شود. روش تحقیق به‌کاررفته در این پژوهش (توصیفی-تحلیلی محتوایی) است و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، شامل مطالعه، بررسی و تحلیل دقیق مهرهای استوانه‌ای، اثر مهرها بر روی گل مهرها، انجام شده است. در راستای مطالعات کتابخانه‌ای از کتابخانه‌های گوناگون و کاتالوگ‌های موزه‌های مختلف استفاده شده است. همچنین با نگرشی کلی به مهرهای سبک هندسی در دوره عیلام در جنوب غرب ایران و نیز وضعیت فرهنگی منطقه و برهمکنش‌های میان‌انسان و شوش در نیمه دوم هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، به‌گونه‌ای که در شواهد باستان‌شناختی بازتاب یافته، کوشیده شده

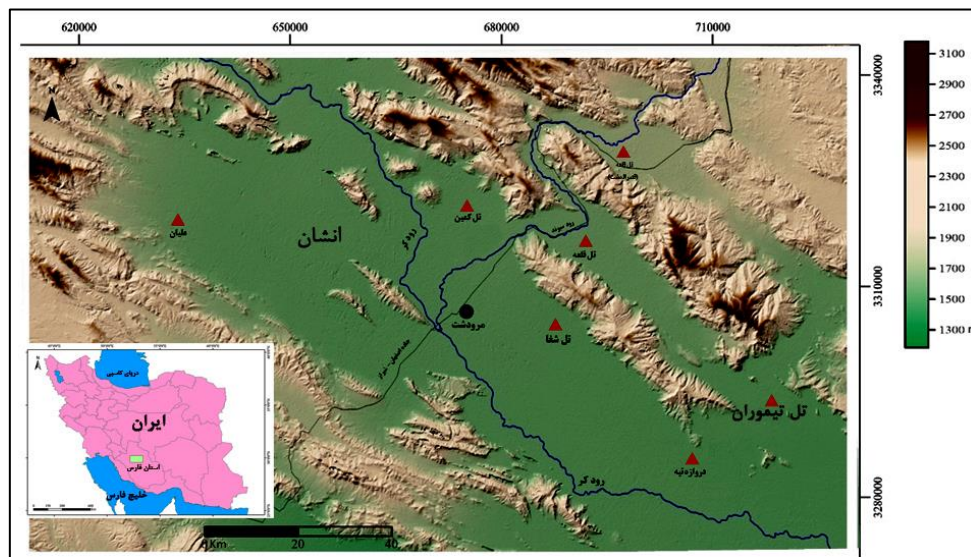
مهر یا مهره استوانه‌ای در کانتکت ۱۵ بالای سیکل خاکستر به فاصله ۳۰ سانتی‌متری شرق دیوار در عمق ۲۲۰ سانتی‌متر از نقطه شاخص یافت شده است؛ و مهر تیموران نام‌گذاری گردید (شکل ۵). جهت اطمینان از جنس مهر تیموران از سه پژوهشگر برجسته در این زمینه کمک گرفته شده است. آقای دکتر محسن رنجبران سرپرست موزه زمین شناسی دانشکده علوم گروه زمین شناسی دانشگاه تهران به وسیله تست مایع HCL با اطمینان جنس مهره را آلی دانست و با صراحت اعلان نمود که مهره از جنس سنگ نیست. دکتر حسین محمدی استاد گروه مرمت آثار و اشیاء فرهنگی دانشگاه هنر اصفهان، جنس مهره را استخوان فشرده یا دندان تشخیص داده و احتمال‌ترین نظر درباره مهر تیموران را عاج دانست. خانم دکتر مرجان مشکور جانورشناس و پژوهشگر مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CRNS)، با توجه به خلل و فرجی که روی سطوح مختلف مهر وجود دارد، نوع ترک‌های طولی در سطوح مختلف و قطر سوراخ طولی ایجاد شده که طبیعی نیست جنس مهره را آلی دانسته و عقیده داشته اند مهر بخشی از دیواره یکی از استخوان‌های اندامی یک گیاهخوار بزرگ استخراج شده است. البته نظر ایشان از طریق دیدن تصاویر مهر بوده است و صدف بودن مهر را نیز محتمل دانستند. در پایان آلی بودن مهر محرز گردید و نگارنده نیز با توجه به چگالی و نظر متخصصان استخوان فشرده (عاج) بودن مهر را محرز دانسته است. ابعاد دقیق مهر عبارت از طول ۳/۲ سانتی‌متر، قطر ۱/۱ سانتی‌متر و قطر سوراخ ۰/۲۵ سانتی‌متر است (شکل ۳). مهر به‌عنوان شیء موزه‌ای تحویل گنجینه موزه تخت جمشید در مجموعه جهانی پارسه پاسارگاد گردیده است. نقش مهر در دسته سبک هندسی بر اساس شکل و نوع نقوش دسته‌بندی می‌گردد (Rouch, 2008). نقش شامل دو شکل هندسی مجزا در دو کادر عمودی در دو طرف مهر است. یکی از قسمت‌ها دو ردیف هفت‌تایی مثلث‌های افقی است و دیگری شامل خطوط مورب موازی که به‌تناوب تغییر کرده است و به تعبیر پورادا ۷ و ۸ هایی که انتهای خطوط به هم نمی‌رسد (پرادا، ۱۳۷۵). نقوش فاقد ظرافت است و در حک نقوش دقت خاصی اعمال نشده است (شکل ۳). گاه‌نگاری مهر با توجه به گاه‌نگاری مطلق تل تیموران متعلق به قرن ۱۴ قبل میلاد است (شکل ۵) (عمادی و نیکنامی، ۱۳۹۹).



شکل ۳: مهر (مهره) تیموران از جنس استخوان فشرده (عاج) یافته شده از تل تیموران (عمادی ۱۳۹۷).

موقعیت جغرافیایی و پیشینه پژوهش‌های میدانی در تل تیموران

تل تیموران در مختصات ($35.3''$ و 15 و 53) طول جغرافیایی، ($45.5''$ و 44 و 29) عرض جغرافیایی و ارتفاع متوسط 1579 متری از سطح آب‌های آزاد در شهرستان ارسنجان، استان فارس و جنوب غرب ایران واقع شده است. تل تیموران (تیماران) به شماره ۱۲۵۷ در تاریخ ۱۳۳۵/۴/۲۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (شکل ۴). تل تیموران (تیماران) شامل دو برجستگی به فاصله ۹۰ متر از یکدیگر است. تپه اصلی بیضی شکل به مساحت ۷ هکتار با شیبی غربی-شرقی که در شرق از ارتفاع کاسته شده و با شیب ملایم به جاده آسفالتت اصلی روستای کوشک توابع منتهی شده است و برجستگی مربع شکل به مساحت نیم هکتار در فاصله ۹۰ متری جنوب تپه اصلی به نام تل گچی است (عمادی و همکاران، ۱۳۹۸).

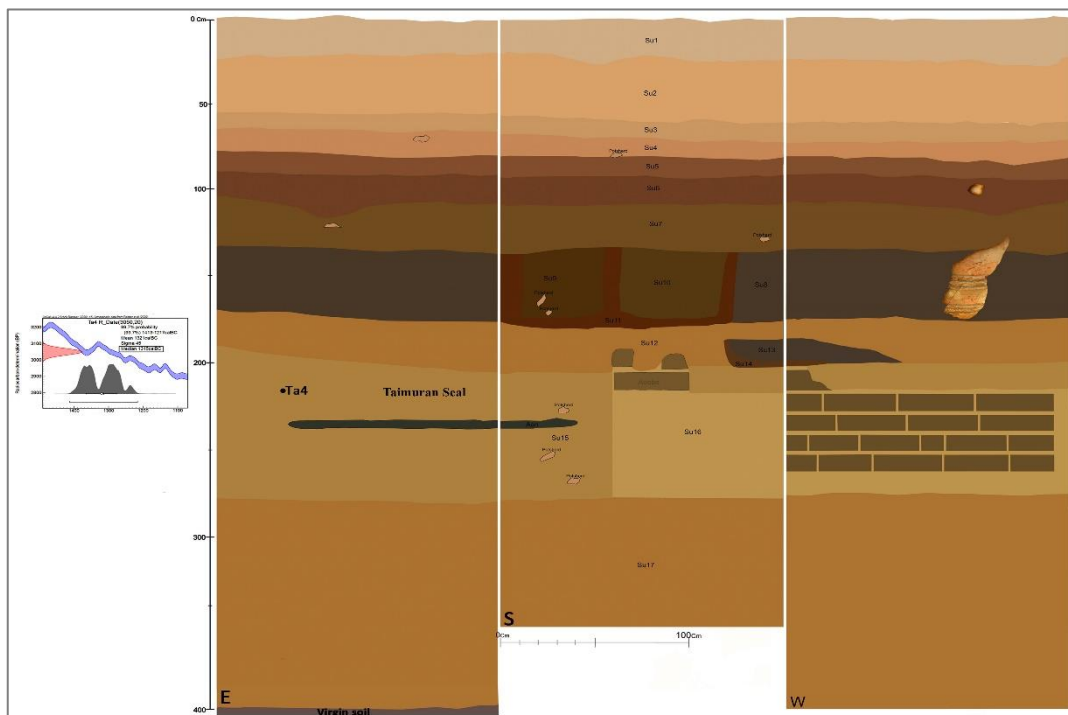


شکل ۴: موقعیت تل تیموران در میان محوطه‌های مهم نیمه دوم هزاره دوم در حوضه رود کر (انشان).

آجر نوشته به‌دست‌آمده از تل ملیان وجود منطقه انشان باستان در دوره عیلام میانه را در فارس اثبات کرده است (Lambert, 1972; Riner, 1973) و این موضوع ضرورت شناخت محوطه‌های اطراف ملیان به‌عنوان کانون عیلام میانه در مناطق مرتفع را ایجاب خواهد کرد. تل تیموران نیز به‌واسطه فاصله ۸۰ کیلومتری از تل ملیان و موقعیت آن در حوضه رود کر محوطه‌ای مهم در منطقه انشان است. از طرفی اولین پژوهشگری که به تدوین فرهنگ‌های پیش‌تاریخ فارس پرداخت لوئی وندنبرگ باستان شناس فقید بلژیکی است (Vanden Berghe, 1959). وندنبرگ طی ۳ فصل بررسی و گمانه‌زنی در ۲۵ محوطه در فارس گاه نگاری اولیه فارس را تدوین کرد و تا اکنون پایه و اساس گاه نگاری اکثر پژوهشگران است. وی با توجه به مواد و اهمیت محوطه‌ها هر دوره را بر اساس محوطه شاخص آن دوره نام‌گذاری کرده است (Vanden Berghe, 1954). در دوره بندی وندنبرگ که اساس آن سفال است هزاره دوم ق.م در فارس شامل فرهنگ‌های قلعه و شغا تیموران است. البته پژوهش‌های اخیر بیانگر این موضوع است که فرهنگ‌های قلعه و شغا تیموران فقط نیمه دوم هزاره دوم فارس را شامل می‌شود و نیمه اول هزاره دوم فرهنگ کفتری است (Pots et al. 2009; عمادی و نیکنمی، ۱۳۹۹).

ویلیام سامنر در بررسی‌های حوضه رود کر ۶۰۰ محوطه شناسایی و تاریخ‌گذاری و نهایتاً دوره بندی جدیدی بر اساس دوره بندی واندنبرگ ارائه داد در دوره بندی سامنر دوره شغا تیموران دوره VII که بعد از دوره کفتری و

قبل از دوره هخامنشی است (Sumner, 1972). فرهنگ شغا تیموران با اواخر دوره‌های سوکل مح (عیلام قدیم) و عیلام میانه در دشت‌های پست شوشان هم‌دوره است (عمادی و نیکنامی، ۱۳۹۹: ۵۵; McCall, 2009; Table 6.1; Potts and Roustaei, 2006 fig 1.3). تل تیموران نخستین بار توسط وندنبرگ در سال ۱۹۴۴ میلادی کاوش گردید وی در سال ۱۹۴۶ میلادی نیز بعد از پروژه خورویین به فارس بازگشت و یکی از محوطه‌هایی که برای بار دوم کاوش کرد تل تیموران بوده است. وندنبرگ در دو فصل کاوش ۴ ترانشه در تل تیموران حفاری کرد. مهم‌ترین ترانشه وندنبرگ ترانشه C به مساحت ۲۴۰ مترمربع شامل ۳۰ تدفین بوده که اساس دوره بندی محوطه تیموران است وی تل تیموران را به ۴ دوره استقرار تقسیم کرده است (Overlaet, 1997). سامنر در سال ۱۹۷۲ میلادی در بررسی فراگیر دشت مرو دشت تیموران را مورد بررسی قرار داده است (Sumner, 1972). لیندا جاکوبس با تمرکز بر محوطه‌های فرهنگ شغا تیموران در دشت مرو دشت در سال ۱۹۷۶ میلادی تیموران را مورد بررسی هدفمند قرار داده است وی سطح محوطه را به مربع‌های ۱۰×۱۰ متر تقسیم کرده و یافته‌های ۹ مربع را مورد مطالعه قرار داده است (Jacobs, 1980). در سال ۱۳۹۷ شمسی نگارنده نخست باهدف اصلی تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تل تیموران و همچنین برداشت نمونه در راستای انجام تاریخ‌گذاری مطلق اقدام به گمانه‌زنی در تل تیموران کرده است (عمادی و همکاران، ۱۳۹۸). جهت برداشت نمونه C14 در محل حفاری غیرمجاز که گودالی به قدر ۷۰ سانتی‌متر بوده است؛ گمانه‌ای به ابعاد ۱/۵×۱/۵ متر به شکلی که گودال حفاری غیرمجاز در قسمت شمالی گمانه قرار گرفته ایجاد گردید. در قسمت جنوبی ترانشه ۸۰ سانتی‌متر فضا از لبه گودال حفاری غیرمجاز تا ضلع جنوبی ترانشه برای برداشت نمونه‌ها وجود داشته است. حاصل کار در طی فرآیند کاوش تشخیص ۱۷ لوکوس است. در عمق ۲ متری کارگاه پایان حفاری غیرمجاز بوده، از این عمق به پایین در لایه‌های برجای حفاری ادامه پیدا کرده و کارگاه در عمق ۴ متر به خاک بکر رسیده است (شکل ۵). نکته حائز اهمیت کشف دیوار در عمق ۲/۲۰ متر با عرض ۳۷ سانتی‌متر ابعاد خشت‌های این دیوار ۱۰×۳۷×۳۷ سانتی‌متر و ضخامت ملاط استفاده‌شده در این دیوار ۳ سانتی‌متر است. ۴ رج از این دیوار باقی‌مانده است کاوش در قسمت شمال دیوار ادامه پیدا کرده است. مهر تیموران ۱۵ سانتی‌متر پایین‌تر از سطح دیوار یعنی در عمق ۲۳۵ سانتی‌متر (۱۵۸۰ متر بالاتر از سطح دریا) از نقطه ثابت ترانشه یافت شده است (شکل ۵).

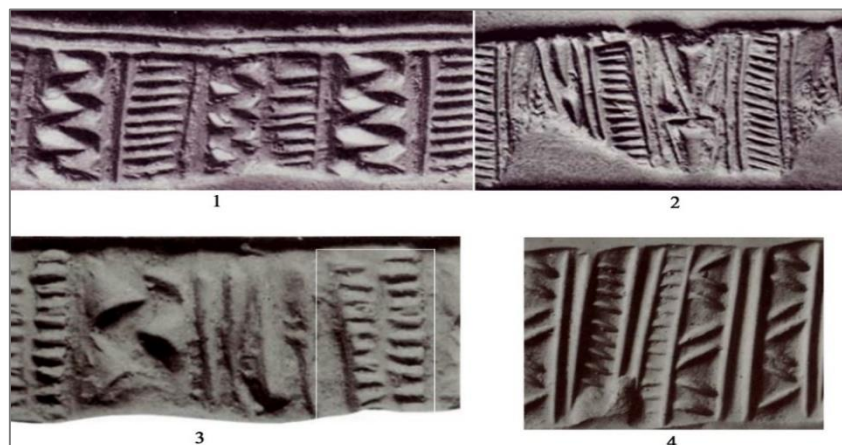


شکل ۵: موقعیت مهر استوانه‌ای در کارگاه تل تیموران. مهر تیموران در لایه Su15، مجاور نمونه زغال Ta4 که آزمایش رادیوکربن انجام شده، به دست آمده است (عمادی و نیکنامی، ۱۳۹۹).

تحلیل و بحث در مورد کاربری مهر تیموران با توجه به داده‌های باستان‌شناختی

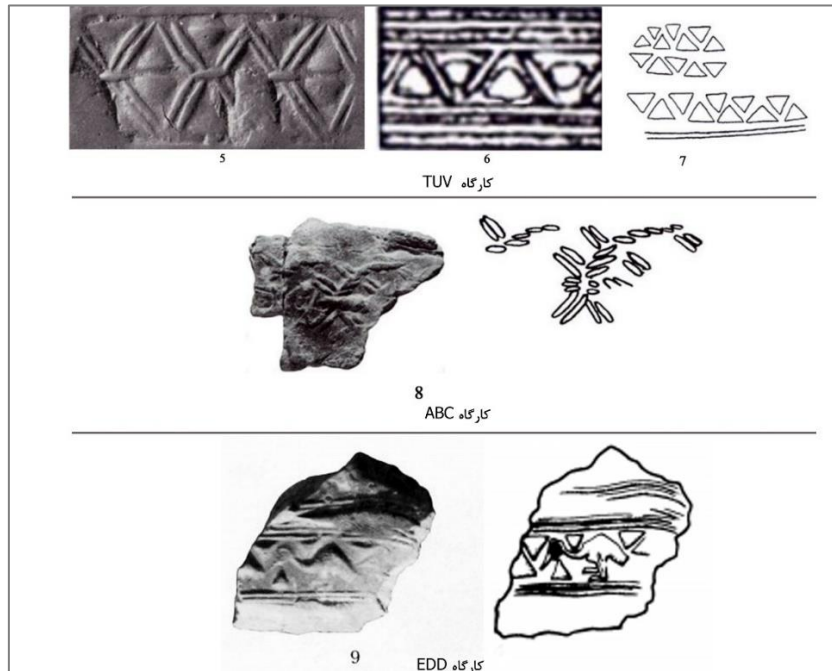
نقش حکاکی شده بر مهر تیموران این مهر را در دسته مهرهای به سبک هندسی قرار داده است. مهرهای سبک هندسی (Geometrical style) را نمی‌توان به‌عنوان یک سبک مجزا دانست و فقط قابل طبقه‌بندی هستند. دلیل اصلی این است که، تنها مشخصه متمایزکننده این مهرها طرح‌های هندسی است. تشخیص طرح‌های هندسی با هرگونه جزئیات برای طبقه‌بندی سبکی بسیار دشوار است (Collon, 2005: 20-23). نوع مهر تراشی، مواد، تکنیک پرداخت یا هر عنصر خاص دیگری که در تفکیک سبک‌ها از یکدیگر وجود دارد در این مهرها وجود ندارد. عدم وجود این شاخصه‌ها که نمی‌توان این مهرها را در سبکی جداگانه تقسیم‌بندی نمود؛ بنابراین شکل یا طرحی مشخص ممکن است پیوسته، ثابت و در هر زمان به‌صورت مشابه کشیده شود. یک طرح ممکن است به‌طور تقریبی و سریع بدون آگاهی از تکنیکی ثابت ایجاد و در صورت نیاز به چنین موردی در مواقع اضطراری (یک خط زیگزاگی یا هر تعداد دیگر از الگوهای هندسی مشابه) به‌سرعت روی مهر حک شود. الگوهای هندسی در تمام مناطق دیده شده است و به‌طور کلی شاهدهی وجود ندارد که بتوان بر اساس آن هرگونه سبک یا زمانی را به آن اختصاص داد؛ بنابراین طرح‌های هندسی دارای کیفیتی بی‌انتهای هستند، مثلاً طرح هاشوری از یک دوره را نمی‌توان به راحتی از طرح مشابه از دوره دیگر متمایز کرد. درواقع به شکل کشیدن طرح‌های هندسی، به‌ویژه ساده، تنها از تغییرات معین و تا جایی مشخص پیروی می‌کند. البته این بدان معنا نیست که طرح‌های هندسی نمی‌توانند نشانه یک سبک خاص باشند یک کادر افقی با زیگزاگ ممکن است نقش سفال شاخص از دوره و یا منطقه معین بوده

است؛ یا ویژگی مشخص نقاشی دیواری در جامعه‌ای دیگر در زمان مشخصی بوده است درحالی که همین طرح در مهرهای هزاره سوم ق.م در جنوب غرب ایران در دوره شوش III نیز استفاده شده است. مشکل این است که طرح‌های ساده، مانند صلیب‌ها، خطوط با جهات مختلف و اشکال هندسی ساده (دایره، مثلث، مربع، لوزی) در بسیاری از جوامع بدون محدودیت و الگوی خاصی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است. در شکل برخی از مهرهای استوانه‌ای هندسی و مهره‌های استوانه‌ای و سایر وسایل تزئینی که دارای طرح‌های هندسی ساده هستند به‌ویژه طرح معمولی یا استاندارد، مانند طرح‌های زیگزاگ یا دالبری، شباهت کلی وجود دارد (Schmidt et al, 1989)؛ بنابراین، یک شیء استوانه‌ای شکل با سوراخ طولی و طرح خطی تکراری ساده که از یک ماده مهره معمولی مانند بدل چینی ساخته شده است، مانند مهر استوانه‌ای، در دسته‌بندی مهرهای استوانه‌ای قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد تشخیص یا تخصیص یک عملکرد خاص به یک مورد، مهره یا مهر، واقعاً دشوار است. مشکل به دلیل ماهیت خود اثر مهر است که به وجود آمده است و درواقع منجر به این فرضیه شده است که مهر، حداقل تا حدی، از مهره استوانه‌ای زینتی شکل گرفته است (Gorelick and Gwinnet, 1981). این شباهت از نظر شکل به این معنی است که اقلامی که در ابتدا به‌عنوان مهره درست شده بودند می‌توانستند در مواقع اضطراری که مهر واقعی در دسترس نبوده، مورد استفاده قرار گیرند، یا برعکس، اقلامی که در ابتدا به‌عنوان مهر (هرچند ساده) ساخته شده، بیشتر اوقات به‌عنوان یک وسیله تزئینی استفاده یا نگهداری می‌شده است. تشخیص این موضوع که چه زمانی یک مهر استوانه‌ای با سبک هندسی به‌عنوان مهر و یا مهره طبقه‌بندی شود بسیار دشوار است. به احتمال زیاد تعدادی از این اقلام درواقع مهر استوانه‌ای نبودند، بلکه مهره بودند و بنابراین کارکرد مهر استوانه‌ای نداشتند. زمانی می‌توان با اطمینان در مورد کارکرد این اشیاء به‌صراحت صحبت کرد که یا اثر مهر یافت گردد و محرز گردد که در امر مهر و موم استفاده می‌گردیده است و یا در کنار اشیاء تزئینی دیگری که با اطمینان می‌توان گفت تزئینی هستند یافت شود مانند نمونه‌های حسنلو که در ادامه در مورد آن‌ها بیشتر بحث خواهد شد. البته برنو اورلائت وقتی در مورد مهرهای لرستان که در قبور به‌دست آمده است نظر می‌دهد آن‌ها را طلسم و یا تعویذ می‌داند (Haerinck and Overlaet, 2006: 51). ۹۵ درصد از مهرهای با نقوش هندسی در ایران از شوش به‌دست آمده است. در شکل ۵ چهار نمونه مهر به‌دست آمده از شوش که نزدیک‌ترین نمونه به لحاظ نقوش به مهر تیموران است آمده است. مهرهای سبک هندسی شوش کاملاً با مهر تیموران به لحاظ نقوشی قابل مقایسه است. تاریخ زمانی این مهرها مربوط هزاره سوم ق.م است؛ اما درشوش تنها یک مورد مهر از جنس آلی گزارش شده است بقیه مهرهای قابل قیاس با مهر تیموران در شوش جنسی از سنگ‌آهک دارند. یک مورد مهر استوانه‌ای گزارش شده از مواد آلی درشوش، استخوان گزارش شده است. این مهر با توجه به نقوش حک شده بر روی آن با مهرهای دره سند قابل قیاس است. درشوش هیچ مهر استوانه‌ای از جنس عاج گزارش نشده است و فقط یک مهره استوانه‌ای از جنس عاج از سرخ دم لری گزارش گردیده که با مهر تیموران به لحاظ نقش قابل مقایسه نیست.

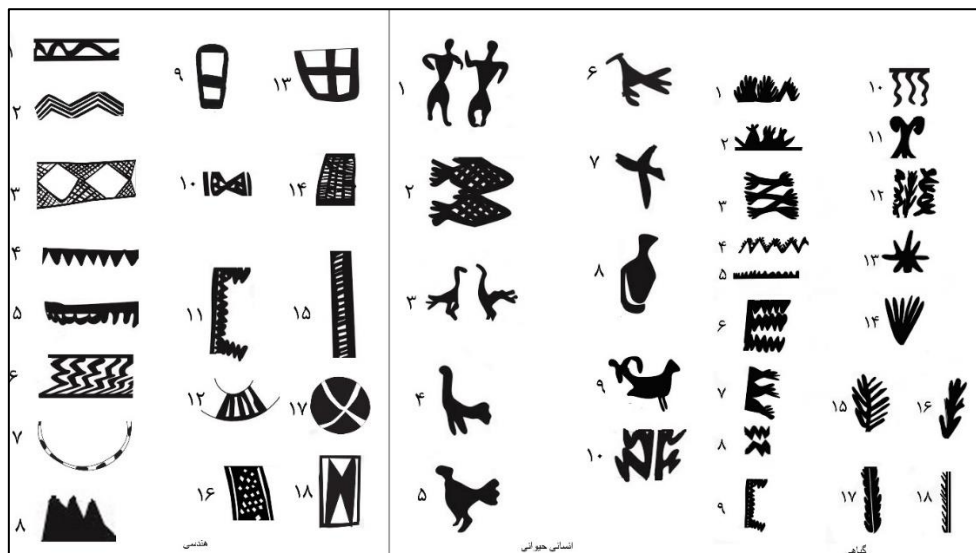


شکل ۶: مهرهای سبک هندسی شوش. اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم قبل از میلاد (Amiet, 1972).

به نظر انریکو اسکالونه عضو هیات علمی بخش میراث فرهنگی دانشگاه سالنتو کشور ایتالیا و متخصص عصر مفرغ در جنوب شرق ایران وجود مهر یافته شده در شمال شرق فارس بسیار عجیب است و بیشتر این سبک در مناطقی مانند خوزستان تا ارومیه، زنجان و گیلان مرسوم است (گفتگوی شخصی). در حسنلو ۵ مهر استوانه‌ای با سبک ایرانی و نقش هندسی با شواهدی از مهره‌هایی گزارش شده که نشان از تزئینی بودن مهر دارد و نمونه ۴۱ که در داخل گوری در تپه جانی حسنلو به دست آمده متعلق به یک گردن بند است ۴ نمونه دیگر نیز مهره و زیورآلات شخصی بوده است و به احتمال زیاد کاربردی در مهرموم کالا نداشته است. البته جنس تمام مهره‌های حسنلو کامپوزیت است و تاریخ این مهرها ۱۱۰-۸۰۰ ق.م است (مارکوس، ۱۳۸۷). در چغازنبیل مهرهای استوانه به سبک هندسی از جنس بدل چینی را پرادا بانام ۷ و ۸ دسته‌بندی کرده است که مهم‌ترین گروه‌بندی این مهرها است (Porada, 1970). شکل نقش شده بر این مهرها شبیه ۷ و ۸ هایی است که انتهای خطوط به هم نمی‌رسد (شکل ۶ شماره ۴). در تپه صرم (شکل ۱) نیز دو نمونه از این مهرها با شماره ۳۳ و ۳۴ با جنس نرم و شکننده با ابعاد ۴×۱ سانتی‌متر گزارش شده است (ساعد موجشی، ۱۳۸۶). در مهر تیموران نیز شکل ۷ و ۸ قابل‌مقایسه با تقسیم‌بندی پرادا وجود دارد.

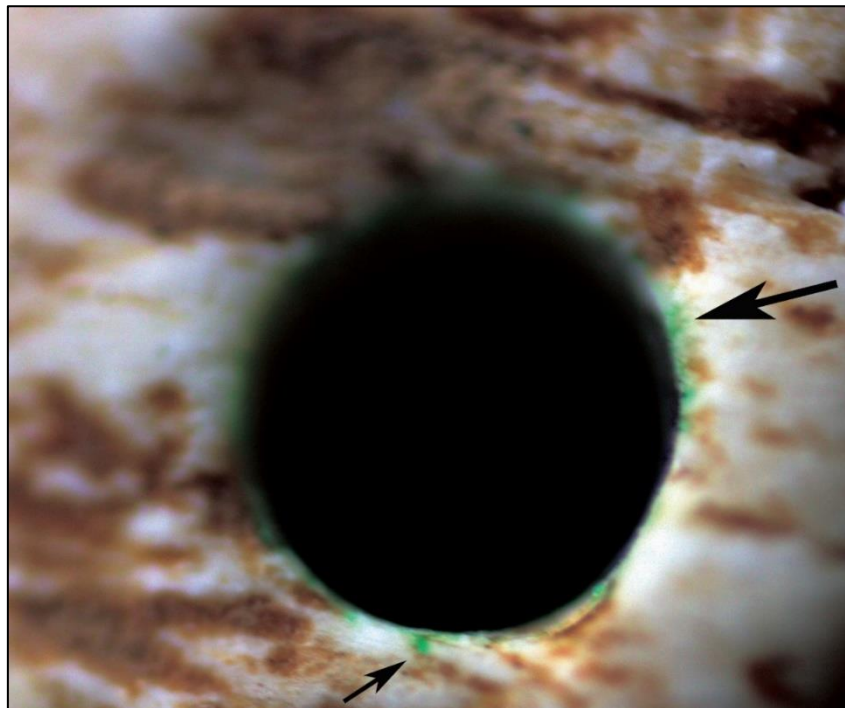


شکل ۷: اثر مهر شماره‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ سبک هندسی تل ملیان (Sumner, 1974) اثر مهر شماره ۹ تل ملیان کارگاه EDD لایه IIIA عیلام میانه به لحاظ زمانی هم‌دوره با مهر تیموران با سبک متفاوت (Carter, 1996: PL21).
تنها محوطه فارس به‌عنوان کانونی در دوره عیلام که بر روی مهرهای استوانه‌ای آن کار شده است تل ملیان است. در این محوطه ۶۳ مهر و اثر مهر در سبک‌های مختلف گزارش شده و پژوهشگران با مطالعه مهرهای ملیان مهرهای ملیان را به سبک عمومی، سبک انشان و سبک کفتری دسته‌بندی کرده‌اند (کولون و پرادا، ۱۳۹۴، ۱۱۴) سبک انشان و کفتری مخصوص مهرهای تل ملیان است و سبک عمومی مهرهایی که نقوشی قابل مقایسه با مهرهای محوطه‌های دیگر دارد (Ascalone, 2018).



شکل ۸: نقوش رایج بر سفال‌های دوره شغا تیموران (عمادی، ۱۳۹۴).

سه مهر در دسته‌بندی سبک هندسی در تل ملیان وجود دارد که با مهر تیموران قابل قیاس نیستند (شکل ۶). تنها مهری که در ترانشه EDD (کارگاه هزاره دومی و یا به عبارت دیگر عیلام میانه) گزارش شده قابل قیاس با مهر تیموران نیست. در مهر عیلام میانه ملیان در کادر افقی مثلث‌هایی دیده می‌شود و پرنده‌ای در این کادر که کاملاً با پرندگان نقش شده بر روی سفال دوره کفتری قابل قیاس است (شکل ۷) و نشان از منطقه‌ای و بومی بودن این مهر دارد (Carter, 1996: PL21). اما نقوش حک شده بر مهر تیموران قابل قیاس با نقوش سفال دوره شغا تیموران نیست (شکل ۸). می‌توان اظهار داشت در محوطه‌های هزاره دوم ق.م فارس تاکنون گزارشی از مهرهای استوانه‌ای دیده نشده است. در پایان مهر تیموران را نمی‌توان با مهرهای ملیان مقایسه کرد (شکل ۷). در بحث گاه‌نگاری مهرهای سبک هندسی قابل مقایسه با مهر تیموران در شوش ۶ نمونه از مهرهای سبک هندسی از لایه برجا و در بافت لایه‌نگاری ثبت شده که متعلق به شوش II (لایه ۱۷ آکروپل) و شوش III (لایه ۱۵-۱۴ آکروپل) یعنی هزاره سوم ق.م است. در ملیان نیز از کارگاه ABC یک نمونه و TUV سه نمونه که متعلق به هزاره سوم گزارش شده است (شکل ۷). نمونه‌های ثبت شده از چغامیش، بنی سرمه، گیان و چیا سبز نیز متعلق به اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم ق.م است؛ اما در محوطه‌های حسنلو، سیلک، چغازنبیل، هفت تپه، جمشیدی سرخ دم لری مهرهای سبک هندسی متعلق به هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق.م است (شکل ۱). در تپه صرم سه مهر استوانه در سبک هندسی متعلق به اواخر هزاره دوم توسط کاوشگر گاه‌نگاری شده است (ساعد موچشی، ۱۳۸۴). نکته قابل توجه در مورد مهرهای ذکر شده هزاره دوم و اوایل هزاره اول این است که این مهرها اغلب از بافت گور گزارش شده است. قبل از انجام آزمایش C14 در تل تیموران انریکو اسکالونه مهر را اواخر هزاره دوم ق.م تاریخ‌گذاری کرد (گفتگوی شخصی)؛ با توجه به نتایج آزمایش C14 تل تیموران نیمه دوم هزاره دوم ق.م یا قرن ۱۴ قبل از میلاد برای مهر تیموران تأیید شده است.



شکل ۹: آثار باقی‌مانده از مس در قسمت سوراخ طولی مهر تیموران

نتیجه گیری

مهم‌ترین ویژگی قابل‌بحث مهر تیموران جنس آن است. تاکنون در فارس، مهر استوانه‌ای از جنس آلی ثبت نشده است. جنس عاج بارزترین نکته مهر تیموران است. اشیای دیگری از جنس عاج در کارگاه ABC تل ملیان گزارش شده اما مهرهای استوانه به‌دست‌آمده از تل ملیان جنس آلی نداشته است. فقدان شواهدی مانند اثر مهر و یا مهره‌های تزئینی موجب شده نتوان به‌صراحت در مورد کاربرد مهر تیموران نظر داد. در قسمت سوراخ طولی مهر آثاری از زنگ سبزرنگ مس دیده می‌شود و همین عامل در تعیین کاربری مهر تیموران نقش بسزایی دارد. این عامل نشانه‌ی استفاده میله‌ای از جنس مفرغ یا مس در غلتاندن مهر مذکور است (شکل ۹) با در نظر گرفتن عواملی مانند جنس، نقش و تک یافته بودن مهر به‌سختی می‌توان کاربرد مهر یا مهره تزئینی بودن آن را تشخیص داد اما چنان‌که اشاره شد برخی از این اشیا در یک‌زمان دارای هر دو کاربرد بوده است. مسئله مهمی که در این اینجا می‌توان به آن اشاره کرد این است که برخلاف اکثر مهرهای عصر آهن که از گورها گزارش شده‌اند مهر تیموران از بافتی غیر از گور یافت گردیده است. نقش حکاکی شده بر مهر یا سبک هندسی و جنس با قیاس با موارد قابل‌مقایسه (جنس مهرهای سبک هندسی در هزاره دوم ق.م) ناهمخوان است و از این جهت نیز یافته‌ای موردتوجه است. نقش این مهر شوشانی است اما جنس یافته بیشتر مشابه مهرهای دره سند است. تعداد زیادی مهر با سبک هندسی قابل قیاس با مهر تیموران در شوش شناسایی شده است. مهر استوانه‌ای تیموران را می‌توان شاهدی بر این قضیه دانست که ارتباط با مناطق پست حکومت عیلام میانه را نمی‌توان منحصر به تل ملیان دانست و این ارتباط با شرقی‌ترین محوطه شناخته‌شده فرهنگ شغا تیموران یعنی تل تیموران نیز وجود داشته است. مهر تیموران یافته‌ای قابل‌تأمل در شناخت منطقه انشان در نیمه دوم هزاره دوم ق.م به‌عنوان بخش مهمی از حکومت عیلام میانه است. در صورت انجام فعالیت‌های میدانی مناسب می‌توان به شواهد بیشتر و قاطعی در ارتباط محوطه‌های دیگر حوضه رود کر (انشان) با دشت شوشان در حکومت عیلام میانه دست یافت. نقوش هندسی حک شده بر مهر تیموران با هیچ‌یک از نقوش سفال دوره شغا تیموران قابل‌مقایسه نیست و نقش این مهر بیشتر قابل قیاس با مهرهای غرب ایران و به‌خصوص محوطه شوش است که نشانه‌ای از وارداتی بودن این یافته به تل تیموران است. در پایان، موضوع قابل‌تأمل در مورد نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد و شکل‌گیری حکومت عیلام میانه، تغییرات اقلیمی است با توجه به مطالعات گرده‌شناسی در تالاب‌های ذکر شده در اطراف حوضه رود کر در نیمه دوم هزاره دوم ق.م شاهد افزایش نسبی رطوبت بوده و همین عامل باعث پراکندگی محوطه‌های فرهنگ

شغا تیموران در سطح حوضه رود کر و شکل‌گیری استقرارهایی جدید در شرق حوضه رود کر بوده است که نقش بسزایی در تعاملات فرهنگی میان سرزمین‌های پست (شوشان) و سرزمین‌های مرتفع (انشان) داشته است.

منابع

- پوربخشنده، خسرو، (۱۳۸۲)، گزارش فصل سوم کاوش محوطه باستانی فرهنگ سفال خاکستری تپه صرم استان قم بخش کهک روستای صرم، هیئت باستان‌شناسی صرم، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- پرادا، ایدت، (۱۳۷۵)، چغازنبیل، ترجمه اصغر کریمی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- ساعد موچشی، امیر، جعفری، محمدجواد، (۱۳۹۴)، مهر استوانه‌ای کتیبه دار با نقش شترمرغ از گورستان لمار، مطالعات باستان‌شناسی، ۱۷(۱)، ۹۵-۱۰۶، doi: 10.22059/jarcs.2015.56679
- ساعد موچشی، امیر، (۱۳۸۶)، مطالعه، معرفی و مقایسه بین مهرهای محوطه‌های استقرار و قبرستان‌های عصر آهن ۱ و ۲ منطقه شمال مرکزی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ایران.
- داودی، محمود، عزیزی، قاسم، مقصودی، مهران، (۱۳۹۷)، بازسازی تغییرات آب‌وهوایی هولوسن در زاگرس جنوبی: شواهد گرده‌شناسی و زغال در رسوبات دریاچه پریشان، پژوهشهای ژئومورفولوژی کمی، ۳(۱)، ۶۵-۷۹.
- داودی، محمود، (۱۳۹۳)، مقایسه اقلیم شمالی و جنوبی نیمه غربی ایران در دوره هولوسن نمونه موردی: دریاچه پریشان تالاب هشیلان و دریاچه نئور، رساله دکتری گرایش آب‌وهوا شناسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- عمادی، حبیب، (۱۳۹۴)، طبقه‌بندی و گونه شناسی سفال شغا تیموران با تکیه بر سفالینه‌های موزه ملی ایران و گنجینه موزه تخت جمشید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ایران.
- عمادی، حبیب، خانی‌پور، مرتضی، پاک‌نژاد، محمدحسن، (۱۳۹۸)، گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه تل تیموران (تیماران) شهرستان ارسنجان استان فارس، گزارش هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۷ جلد دوم، تهران، صص: ۹۶۴-۹۵۷.
- عمادی، حبیب، نیکنامی، کمال‌الدین، (۱۳۹۹)، تحلیل جایگاه فرهنگ شغا تیموران در هزاره دوم فارس بر اساس گاه‌نگاری مطلق تل تیموران (تیماران). مطالعات باستان‌شناسی پارسه. ۴(۱۳): ۵۵-۷۰.
- مارکوس، ای. میشل، (۱۳۷۸)، مهرهای حسنلو، ترجمه علی صدراپی و صمد علییون، انتشارات گنجینه کتاب سازمان میراث فرهنگی آذربایجان غربی.
- کولون، دومینیک، پرادا، ایدت، (۱۳۹۴)، مهر در خاور نزدیک و ایران، ترجمه پوریا خدیش، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ایران.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۹)، سلیک کاشان، جلد دوم، ترجمه اصغر کریمی و آریتا همپارتیان، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، ایران.
- Akkermans G. M. M. P, and Duistermaat. K, 1996, Of storage and nomads The sealings from Late Neolithic, Sabi Abyad, Syria, Paléorient, 22 (2): 44-17.
- Alizadeh, A., 2010, The Rise of the Highland Elamite State in Southwestern Iran 'Enclosed' or Enclosing Nomadism? Current Anthropology 51/3: 353-383.
- Amiet, P., 1972, Glyptique Susienne – des origines à l'époque des perses achéménides, cachets, sceaux-cylindres et empreintes antiques découverts à Suse de 1913 –1967, Paris: MDP 43.

- Amiet, P., 1980, 'La glyptique du second millénaire en provenance des chantiers A et B de la Ville Royale de Susa', *IA* 15: 133 – 147.
- Ascalone, E., 2018, *Glyptic in the 4th–2nd millennium, The Elamite World*, eds Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks, Taylor & Francis, London and New York.
- Black, J. and Green, A., 1992, *Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia*, Austin: University of Texas Press.
- Carter, E., 1994, "Bridging the Gap between the Elamites and the Persians in Southeastern Khuzistan". In: Sancisi-Weedenburg, H., Kuhrt, A. and Cool-Root, M. (eds.) *Achaemenid History VIII: – Continuity and Change*. Leiden: Nederlands Instituut voor Het nabije Oosten, 55–95.
- Carter, E., 1996, *Excavations at Anshan (Tal-e Malyan): The Middle Elamite Period*, Philadelphia: The University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania.
- Charvát, P., 1994, *The Seals and Their Functions in the Halaf and Ubaid Cultures (a Case Study of Materials from Tell Arpachiyah and Nineveh 2-3)*, in *Handwerk und Technologie im Alten Orient– Ein Beitrag zur Geschichte de Technik im Altertum*, R.-B. Wartke (eds.), pp. 9-16. Internationale Tagung Berlin, 12.-15. Marz 1991, Mainz: Verlag Philipp von Zabern.
- Collon, D., 2005, *First Impressions – Cylinder Seals in the Ancient Near East*, rev. ed. (1987), London: British Museum Publications.
- Contenau, G. and Ghirshman, R., 1935, *Fouilles du Tépé-Giyan près de Néhavend de style oriental du Musée du Louvre*, vol. I – Fouilles et Missions, Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Delougaz, P. and Kantor, H. J., 1996, *Chogha Mish. Volume I. The First Five Seasons Of Excavations 1961 – 1971*, Chicago: the Oriental Institute of the University of Chicago.
- Frangipane, M., 2000, *The Development of Administration from Collective to Centralized Economies in the Mesopotamian World*, in *Cultural Evolution: Contemporary Viewpoints*, G. M. Feinman and L. Manzanilla (eds.), 215-232, New Yourk.
- Gorelick, L. and Gwinnett, A. J., 1978, 'Ancient Seals and Modern Science – Using the Scanning Electron Microscope as an Aid in the Study of Ancient Seals', *Expedition* 20(2): 38 –48.
- Haerincq, E., Overlaet, B. 2006, *Luristan Excavation Documents Vol. VI: Bani Surmah. An Early Bronze Age Graveyard in Pusht-i Kuh, Luristan. (Acta Iranica 43)*. Peeters, Leuven.
- Jacobs, L. K., 1980, "Darvazeh Tepe and the Iranian highlands in the second millennium B.C". Ph.D. dissertation, University of Oregon, Eugene, OR.
- Lambert, M., 1972, 'Hutélutush-Inshushinak et le pays d'Anzan', *RA* 66, 61–76.
- Matthews, R. J., 1993, *Cities, Sealings and Writing: Archaic Seal Impressions from Jamdet Nasr and Ur, Materialien zu den frühen Schriftzeugnissen des Vorderen Orients 2*, Berlin: Verlag Gebr. Verlag.
- McCall, B., 2009, *The Mamasani Archaeological Survey: Epipalaeolithic to Elamite settlement patterns in the Mamasani district of the Zagros Mountains, Fars Province, Iran*. PHD, Department of Archaeology, University of Sydney.
- Moorey, P. R. S., 1977, "What Do We know About the People Buried in the Royal Cemetery?" *Expedition* 20 (1): 24-40.
- Negahban, E. O., 1977, *The Seals of Marlik*, *JNES* 36, pp. 81-102.
- Negahban, E. O., 1991, *Excavations at Haft Tepe, Iran*, Philadelphia: The University Museum of Archaeology and Anthropology, University of Pennsylvania.
- Overlaet, B., 1997, *A report on the 1952 and 1954/55 soundings at Tol-e Taimuran (Fars), Iran—a file-excavation at the Royal Museums of Art and History, Brussels, Iranica Antiqua*, 32, 1–51.
- Pittman, H., 1980, *Proto-Elamite Glyptic Art from Malyan: Work in Progress*. Paper presented at the 45th meeting of the Society for American Archaeology, Philadelphia, Pa., 1 May 1980.
- Porada, E., 1970, *Tchoga Zanbil (Dur Untash). Vol. IV: La Glyptique*, Paris: MDP 42.
- Potts, D. T., Roustaei, K., Weeks, L. R. and Petrie, C. A., 2006, *The Mamasani District and th Archaeology of Southwestern Iran*. In Potts, D. T. and Roustaei, K. (eds), *The Mamasani*

- Archaeological Project Stage One: A Report on the First Two Seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran. Pp 1-16. Iranian Centre for Archaeological Research: Tehran.
- Potts, D. T., Roustaei, K., Weeks, L. R., and Petrie, C. A., 2009, The Mamasani District and the archaeology of southwestern Iran, in The Mamasani Archaeological Project Stage One: a report on the first two seasons of the ICAR – University of Sydney expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran (eds. D. T. Potts, K. Roustaei, C. A. Petrie, and L. R. Weeks), 1–6, BAR International Series, S2044, Archaeopress, Oxford.
- Potts, D.T., 2001, Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1975: the third millennium (No. 45), Peabody Museum of Archaeology &, Pp: 231-268.
- Reiner, E., 1973, “The Location of Anshan”, *Revue d’Assyriologie* 67, 57-62.
- Roach, K. J., 2008, The Elamite Cylinder Seal Corpus, c.3500 – 1000 BC. Volume II. PhD dissertation, (Near Eastern) Archaeology. The University of Sydney.
- Roaf, M., 1990, Cultural Atlas of Mesopotamia and the Ancient Near East, New York: Facts on File.
- Schmidt, E. F., van LOON, M. N. and CURVERS, H. H., 1989, The Holmes Expedition to Luristan, Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Sumner, W. M., 1974, ‘Excavations at Tall-i Malyan, 1971 – 72’, *Iran* 12: 155 - 179.
- Sumner, W. M., 2003, Early Urban Life in the Land of Anshan: Excavations at Tal-e Malyan in the Highlands of Iran, Malyan Excavations Reports III, University Museum Monograph, 113, University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology, Pennsylvania.
- Tourovets, A., 1994, ‘La Glyptique de Kalleh Nisar, Pusht-i Kuh-Luristan’, *IA* 29: 9-45.
- Tourovets, A., 1996, ‘La Glyptique de Bani Surmah, Pusht-i Kuh-Luristan’, *IA* 31: 19-4.
- Vanden Berghe, L., 1953–54, Archaeologische navorsingen in de omstreken van Persepolis. *Jaarbericht Ex Oriente Lux* 13, 1953–54, 394–408.
- Vanden Berghe, L., 1959, *Archéologie de l’Iran ancien*. E.J. Brill: Leiden.